شماره ۱۵۹۶ | دوره جدید
شماره مسلسل ۲۳۳۴ | پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۳ | ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶ | ۱۲ فوریه ۲۰۱۵
صاحب امتیاز دانشگاه آزاد اسلامی
مدیرمسوول احسان مازندرانی
سردبیر مهران کرمی

سازمان آگهی‌ها ۱۸ و ۶۶۳۴۸۰۴۶
۶۶۷۶۰۵۰۱-۶۶۷۲۶۰۴۷ | دفتر مدیرمسوول ۶۶۳۴۸۰۱۶
تحریریه ۱۸۲-۶۶۷۶۰۱۸۰ | الو فرهیختگان ۶۶۳۴۸۰۱۹
۱۰۰۰۰۱۳۸۸۲۳۰
نشانی خیابان حافظ | بعد از پل دوم حافظ | توزیع پیام‌رسان پیروز
روبه‌روی ساختمان بورس | چاپ سازمان چاپ دانشگاه آزاد اسلامی
ساختمان فرهیختگان | طبقه سوم

تهران	شیراز	مشهد	اصفهان	تبریز
TEHRAN	SHIRAZ	MASHHAD	ISFAHAN	TABRIZ
14 ↑	18 ↑	19 ↑	19 ↑	4 ↑
5 ↓	8 ↓	8 ↓	8 ↓	-2 ↓

کلام معصوم(ع)

حضرت محمد(ص):
خدایم مرا به دوست‌داشتن مسلمانان مستمند فرمان داده است.

امروز		فردا	
غروب آفتاب	۱۷:۴۲	اذان صبح	۵:۳۰
اذان مغرب	۱۸:۰۰	طلوع آفتاب	۶:۵۵
نیمه شب شرعی	۲۳:۳۶	اذان ظهر	۱۲:۱۹

یک روز تعطیل

کتابخانه آقای عجیب

هاروکی موراکامی، رمان «کتابخانه عجیب» را در سال ۲۰۱۴ به انگلیسی منتشر کرد. این اولین کتاب مصور او به شمار می‌رود که به تازگی با ترجمه بهرنگ رجبی از سوی نشر چشمه منتشر شده و برای آن‌هایی که به دنیای داستانی موراکامی علاقه‌مند هستند و درعین حال شیوه داستانگویی هزارویک شبی و روایت‌های شرقی را دوست دارند، گزینه مناسبی برای یک آخر هفته بارانی است. «کتابخانه عجیب» داستان پسر نوجوانی است که در پی کشف سیستم جمع‌آوری مالیات در زمان امپراتوری عثمانی، وارد کتابخانه شهرشان می‌شود. کتاب روایتی بورخسی و هزارتو دارد و درکنار شاعرانگی‌ها و نوآوری‌های موراکامی، تلفیقی از عناصر شرقی و غربی را در خود جا داده است. رجبی کتاب را در عرض چهار روز ترجمه کرده و معتقد است اگرچه راوی کتاب یک نوجوان است، مخاطب آن همه گروه‌های سنی هستند، هرچند درک لایه‌های پیچیده آن برای مخاطبان حرفه‌ای ادبیات آسان‌تر خواهد بود. موراکامی در این کتاب از نوآوری‌های فرمی مثل طرح و نقاشی و حروف رنگی هم استفاده کرده است. مثلا ویژگی برخی شخصیت‌ها با رنگ فونت کلمات مشخص شده است. «کتابخانه عجیب» را به قیمت ۱۲ هزار تومان بخرید و از روایت خلاقانه نویسنده‌ای که سال‌هاست در انتظار نوبل به سر می‌برد، لذت ببرید.

قلک‌هایی کنار عکس

امروز در یکی از خیابان‌های شلوغ شهر، نمایشگاه عکسی برپا می‌شود که قرار است عواید آن به کودکان سرطانی بنیاد «محک» تعلق بگیرد. عنوان این نمایشگاه «رگ به رگ» است و ۱۶ تابلو عکس سیاه و سفید و رنگی از حامد نصرآبادیان را شامل می‌شود. اغلب آثار نصرآبادیان و گروهش در حوزه تئاتر و تجسمی حول محور صلح و ضد خشونت‌های بشری در جهان می‌چرخد، موضوعی که در عکس‌های این نمایشگاه هم دیده می‌شود. در روز افتتاحیه این نمایشگاه پرفورمنسی همراه با موسیقی زنده کلاسیک و فولکلور ایرانی هم اجرا خواهد شد که موضوع آن برگرفته از داستان زندگی بچه‌های محک است. نمایشگاه عکس «رگ به رگ» روز پنجشنبه ۲۳ بهمن ماه ساعت ۱۷ در گالری اسکان به نشانی خیابان ولیعصر(عج)، ابتدای میرداماد، ساختمان اسکان، طبقه پایین، کافه عکس اسکان برپا می‌شود.

چاووشی‌خوانی در لامپ ۱۰۰

با پایان یافتن جشنواره فیلم فجر، سینماها دوباره روال طبیعی اکران خود را آغاز خواهند کرد. یکی از اولین فیلم‌هایی هم که به نمایش درخواهد آمد، فیلم سینمایی «لامپ ۱۰۰» است که بالاخره بعد از کش‌وقوس‌های فراوان اکران آن از روز جمعه ۲۴ بهمن‌ماه به صورت همزمان در سینماهای تهران و ۴۰ شهرستان کشور آغاز می‌شود. نویسندگی و کارگردانی این فیلم را سعید آقاخانی برعهده داشته و محسن تنابنده و ساره بیات بازیگران آن هستند. این فیلم سال گذشته در جشنواره فیلم فجر به‌عنوان بهترین فیلم با مضمون مبارزه با اعتیاد انتخاب شد. اما خبر مهم‌تر اینکه محسن چاوشی یک قطعه با نام «بید بی‌مجنون» برای تیتراژ پایانی این فیلم خوانده و این احتمال وجود دارد که بخش‌هایی از این قطعه در میان فیلم نیزاستفاده شده باشد. ترانه این اثر از سروده‌های حسین صفاست و آهنگسازی آن توسط محسن چاوشی انجام شده است. امتیاز قطعه «بید بی‌مجنون» متعلق به تهیه‌کنندگان فیلم «لامپ ۱۰۰» است و در صورت اجازه آنها از سوی وب سایت محسن چاوشی منتشر خواهد شد. «لامپ ۱۰۰» بعد از فیلم «ستوری» دومین تجربه سینمایی محسن چاوشی است.

سلفی‌های پیروزی

دیروز در راهپیمایی گسترده مردمی به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، نوع دیگری از روایت برای ثبت واقعه در میان مردم به چشم می‌خورد. راهپیمایان در گوشه و کنار شهر با عکس‌های سلفی، نقش پررنگی در بازتاب این روز عظیم داشتند.

عکس خانه

| عکس: جاوید تفضلی|ایرنا|

روی خط خبر

ادریس آلبا خودش را دوست ندارد

فرهیختگان| ادریس آلبا بازیگر بریتانیایی در مصاحبه‌ای با دیلی‌میل از زندگی خصوصی‌اش می‌گوید. او که به نظر بسیاری در اوج زندگی می‌کند، در این مصاحبه می‌گوید که از زندگی خصوصی‌اش ناامید شده است. او ادامه می‌دهد: «زندگی خصوصی‌ام را فدای موفقیت حرفه‌ای کردم.» ستاره ۴۳ ساله فیلم «راه طولانی آزادی»، یک اتوبیوگرافی درباره زندگی ماندلا، می‌گوید تولد پسرش، وینستون، در سال گذشته آخرین اتفاق خوبی بود که توانست شادی واقعی را به او بچشاند. او در این مصاحبه گفته است که هیچ وقت نتوانسته است احساس دوست داشته شدن را تجربه کند، زیرا آن‌طور که باید خودش را دوست نداشته است. او که پیش‌بینی می‌شود به‌زودی در نقش اولین جیمزباند سیاهپوست ظاهر شود در ادامه می‌گوید: «کودکی بسیار بدی را پشت‌سر گذاشته است. او کودکی لاغر و خجالتی بود که می‌خواست همه چیز و همه اطرافیانش را راضی نگه دارد.» ادریس آلبا که با بازی در نقش مارتین لوترکینگ بر پرده سینماها ظاهر شده و خوش درخشیده است، اخیرا تصمیم گرفته است یک آلبوم موسیقی به سبک موسیقی آفریقای جنوبی نیز وارد بازار کند که در بخشی از آن آهنگی برای نلسون ماندلا، رهبر مبارزه با آپارتاید خواهد خواند.

سلامتی با دست‌های نه‌چندان تمیز

فرهیختگان| دکتر فرانک لیپمن، متخصص پزشکی جامع از نیویورک اخیرا کتابی منتشر کرده که بسیار مورد توجه مخاطبان در آمریکا قرار گرفته است. او در کتاب جدید خود با نام «قوانین جدید سلامتی» به مخاطبان نکات متفاوتی درباره روش‌های نوین عادات غذایی و سایر نکات سلامتی ارائه می‌دهد. او می‌گوید هدف کتاب این بوده که خوانندگان آن به تدریج سبک زندگی خود را تغییر دهند و هیچ دستاورد سریع و یک‌هفته‌ای را پیشنهاد نمی‌دهد. چکیده‌ای از موضوعات این کتاب از این قرارند:

■ یکی از قوانین ساده اهمیت دادن به پشت‌تان است. بعد از سپری کردن یک روز طولانی و خسته‌کننده برای بسیاری از ما که پشت‌میزنشین هستیم، درکردن خستگی پشت، کار مهمی به حساب می‌آید. برای این کار از یک توپ پیلاتس یا انواع دیگر توپ استفاده کنید. روی زمین دراز بکشید. پشت خود را به‌وسیله این توپ ماساژ دهید. او می‌گوید این کار از هر دارویی موثرتر است زیرا در وهله اول استرس را کاهش می‌دهد، سپس سینه را باز می‌کند و وضعیت تنفس را بهبود می‌بخشد.

■ به جای استفاده از نوشیدنی‌ها و شکلات‌ها از دانه‌های مغذی استفاده کنید. سعی کنید همیشه در جیب‌تان کمی آجیل داشته باشید.

■ برای هر یک ساعت کار، حتما پنج دقیقه به خودتان استراحت بدهید. این کار اگرچه به نظر کار آسانی می‌آید اما کار بسیار مهمی است. روی یک کاغذ این دستورالعمل را بنویسید و هرجا که می‌توانید و در معرض دید قرار می‌گیرد مثلا گوشه مانیتورتان نصب کنید.

■ دست‌هایتان را آلوده کنید. بدن ما به میکروب‌ها احتیاج دارد تا سیستم ایمنی‌اش را تقویت کند. بسیاری از ما زمان‌های زیادی را در فضاهای سربسته مانند اتاق، ماشین و خانه می‌گذرانیم. بنابراین بد نیست که گهگاهی به سراغ باغچه بروید و آن را بیل بزنید.

■ به پاهایتان اهمیت ویژه‌ای بدهید. کف پاها، مرکز بدن محسوب می‌شوند. زمانی که مشغول شستن ظرف‌ها یا مکالمه تلفنی هستید، از یک توپ تنیس استفاده کنید و کف پایتان را ماساژ دهید.

■ روزانه ۱۰ دقیقه از وقت‌تان را به کاری اختصاص دهید که عاشق آن هستید. شاید ادعا کنید که سرتان خیلی شلوغ است اما نمی‌توانید داعیه آن را داشته باشید که ۱۰ دقیقه وقت ندارید.

■ روزهایی از ماه را هیچ کاری نکنید. کامپیوتر و گوشی تلفن هوشمندتان را خاموش کنید. این کار به این معناست که به ماهیچه‌هایتان یک روز استراحت هدیه می‌کنید و به آنها اجازه ترمیم خودشان را می‌دهید.

این کتاب هفته گذشته روانه بازار شده است.

نقطه

بوفون از روزگار افسردگی گفت

جی‌جی بوفون، دروازه‌بان و کاپیتان تیم ملی ایتالیا در یک کارگاه آموزشی با عنوان «برخورد موثر با یک استعداد و یک تیم» شرکت کرد و این فرصتی بود که بوفون از دوران کودکی، جوانی و حتی افسردگی‌اش بگوید و کلی حرف‌های قشنگ بزند. به گزارش طرفداری، او در این کارگاه گفت: «من عاشق گلزنی بودم، نه حفاظت از دروازه تیم. در سال ۱۹۹۰ پدرم به من توصیه کرد که یک دروازه‌بان شوم. غرورم به من کمک کرد که در زمین در کنار بازیکنان بزرگ قرار بگیرم. من همیشه از اعتمادبه‌نفس لازم برای اینکه چگونه به یک بازیکن خوب تبدیل شوم، برخوردار بودم.» ستاره تیم یوونتوس در ادامه گفت: «من یاغی بودم، اما اگر در ۳۷ سالگی همان شخصیت را حفظ می‌کردم، یک احمق کامل به نظر می‌آمدم. استعداد را به صورت طبیعی از والدینم به ارث بردم اما به وسیله پشتکار و کار سخت، این استعداد پرورش یافت، در غیر این‌صورت شما در معرض تبدیل شدن به یک استعداد زودگذر خواهید بود که سریعا فراموش می‌شوید.» دروازه‌بان تیم ملی ایتالیا در ادامه به دوره افسردگی‌اش در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ اشاره کرد و گفت: «من از زندگی حرفه‌ای‌ام راضی بودم، اما به‌عنوان یک مرد به هیچ عنوان احساس رضایت نمی‌کردم. حفره سیاهی در روح من وجود داشت. حتی امروز هم در تلاشم خودم را درک کنم. در حال حاضر بسیار آرام‌تر و متعادل‌تر شده‌ام اما من هنوز دوست دارم از خودم انتقاد کنم تا بهترین نتیجه را در زندگی‌ام به دست بیاورم.»

نقطه

خنده و گریه‌های رباتیک

ژاپنی‌ها به تازگی رباتی ساخته‌اند که در هنگام صحبت کردن، آواز خواندن و حتی حرکت دادن دست‌ها شباهت عجیبی به انسان دارد. این ربات که ChihiraAico نام دارد از سوی شرکت «توشیبا» برای صحبت کردن و سرگرمی طراحی شده است. این شرکت ادعا می‌کند ربات ساخت آنها واقع‌بینانه‌ترین حالت‌های چهره را دارد. حرکات آرام دست این ربات توسط ۴۳ سیلندر پنوماتیک که ۲۴ عدد آن در شانه و بازوها و ۱۵ عدد آن در صورت قرار دارد، ایجاد می‌شود. این ربات می‌تواند شاد، غمگین و عصبانی شود و حتی گریه کند. ضمن اینکه در آینده می‌توان از این ربات برای نگهداری افراد سالمند و کار به‌عنوان یک پرستار یا خدمتکار استفاده کرد. این ربات در نمایشگاه وسایل الکترونیکی لاس‌وگاس آمریکا به نمایش گذاشته شد.

نقطه سر خط

جایزه نبوغ چاپلین دزدیده شده

روزنامه لو پاریزین گزارش داده که اولین اسکار از سه جایزه اسکار چارلز اسپنسر چاپلین، از دفاتر انجمن چاپلین در پاریس به سرقت رفته است. این اتفاق اواخر ماه ژانویه روی داده و سارقان با اطلاع قبلی از موقعیت این دفاتر دست به سرقت زده‌اند. تندیس اسکار این سینماگر و کمدین بریتانیایی بیش از یک میلیون دلار ارزش دارد. البته سارقان به جز آن تعدادی قلم هر یک به ارزش ۹۰ هزار دلار نیز به سرقت برده‌اند. به گزارش هنرآنلاین به نقل از هالیوود ریپورتر، مقامات قضایی پاریس به‌طور رسمی در حال تحقیق درباره این موضوع هستند و عملیات پلیسی ویژه برای دستگیرکردن سارقان در حال انجام است. دفاتر انجمن چاپلین در پاریس تنها چند ساختمان با لوور فاصله دارد. دفتر اصلی این انجمن در سوئیس است و هدف آن حفاظت از نام و تصویر چاپلین، همین‌طور ترمیم و آرشیو فیلم‌های او و اطلاع‌رسانی درباره اوست. کیت گیون‌وارش از مدیران انجمن چاپلین گفت: «ما و خانواده چاپلین از این اتفاق بسیار غمگین و حیرت‌زده‌ایم. ما امیدواریم فرد یا افراد بانی این حادثه، خیلی زود تندیس اسکار را بازگردانند، چراکه جز ما برای کس دیگری ارزش ندارد و هیچ راهی برای فروش عمومی آن نیست. ما قصد داشتیم این تندیس ارزشمند را در آینده به موزه چاپلین در سوئیس قرض بدهیم.» اسکار دزدیده‌شده، جایزه افتخاری است که آکادمی علوم و هنرهای سینمایی در ۱۹۲۹ برای «همه‌فن‌حریف بودن و نبوغ چاپلین در بازیگری، فیلمنامه‌نویسی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی فیلم «سیرک»» به او اعطا کرد.

مهدی عزیزی
عیادت وزیر بهداشت از غبارزدگان اهواز

از روی دیوار

ترانه علیدوستی روی صفحه اینستاگرامش عکسی از فیلم «مادر قلب اتمی» گذاشته و در توضیح آن نوشته است: «من و پگاه [آهنگرانی] خانم در نمایی از مادر قلب اتمی که هم‌اکنون در فستیوال برلین قابل رویت است. ان‌شاءالله قسمت ما هم شود همین‌جا کنار شما فیلم را ببینیم. به امید آن روز.» یکی از دنبال‌کنندگان صفحه او نوشته است: «هر دو از بازیگران خوب کشور هستید.» آن یکی گفته است: «واقعا اگه پستم رو لایک کنی. میشه یکی از افتخاراتم. یعنی میشه آبجی ترانه.» کاربر دیگری از دلتنگی‌هایش نوشته است: «دلم مهمون ناخوانده می‌خواد، پاشین بیاین پیجم.» دنبال‌کننده دیگری به یک مشکل پیچیده اشاره کرده است: «چه باحال، من همیشه شما دو تا رو با هم قاطی می‌کنم. الان که عکس گذاشتین هنگ کردم.» مشکل دیگری از این هم پیچیده‌تر است و پرسیده است: «کدوم‌شون ترانه‌ست دوستان؟؟» دیگری با یک سوال به میان آمده است: «ترانه خانم راجع به گرد و خاک خوزستان چیزی شنیدی؟» و کاربر دیگری به او جواب داده است: «ترانه خانم مگه مسئول گرد و خاک خوزستانه.» این عکس در ۱۴ ساعت، ۱۶ هزار و ۴۹۴ بار پسندیده شده است.

جواد کاظمیان، بازیکن سابق تیم ملی و باشگاه پرسپولیس و فعلی صبای قم این عکس را روی صفحه اینستاگرامش گذاشته و در توضیح آن نوشته است: «امان از مصدومیت.» یکی از دنبال‌کنندگان صفحه او با نوشتن: «کم‌شانسی داداش» با او هم‌دردی کرده است. دیگری یاد این روزهای پرسپولیس افتاده و نوشته است: «آقا جواد نبینم اینجوری باشی‌ها. داداش کاش برمی‌گشتی پرسپولیس. ما به غیرت شماها نیاز داریم.» دیگری با دیدن عکس نگران شده و محبتش زده بالا و دست به نوشتن شده که: «سلاااام، آخی جواد چرا مواظب نیستی، زود خوب میشی گلم. من برات دعا می‌کنم. جواد یه چیزی بذار زیر سرت، گردنت درد می‌گیره.» آن یکی حتی از این هم بیشتر تحت تاثیر قرار گرفته و نوشته است: «جواد جانم دیگه از این عکسا نذار من خیلی ناراحت می‌شم.» دنبال‌کننده دیگری به گذشته‌های خوب اشاره کرده است: «جواد یادته چقدر محبوب شدی. جگوار، ستاره بودی. پیراهن شماره ۹ اون روزای پرسپولیس. نیم‌خیز هواداران وقتی که می‌خواستی کاشته بزنی. کارت زردهای دلنشین بعد از در آوردن پیراهن. استرس هوادارها به خاطر شایعات پیوستنت به استقلال.» این عکس در ۲۴ ساعت، دو هزار و ۷۲۶ بار پسندیده شده است.

بهنوش طباطبایی روی صفحه اینستاگرامش عکسی از شهر خاک‌گرفته اهواز گذاشته و در توضیح آن نوشته است: «کاش خانه‌ام به اندازه‌ای بزرگ بود که می‌توانستم تمام مردم خوزستان را دعوت کنم تا نفسی راحت بکشند. نه اینکه اینجا هوا خیلی خوب است. نه اینکه اینجا هوا سبک و پر از اکسیژن است، نه. اینجا فقط معلوم نیست که چقدر هوا بد است. اینجا آنقدر پشت این خاک‌های نامرئی قایم شدیم که دیگر خودمان هم نمی‌توانیم خودمان را پیدا کنیم.» دنبال‌کننده‌ای از اهواز نوشته است: «دیروز صبح که رفتم نون بگیرم، یهو خاک شد. برگشتنی موهام قهوه‌ای شده بود.» یکی دیگر گفته است: «سپاس فراوان که به فکر خوزستانی‌های در خاک افتاده بودید.» اما کاربر دیگری نوشته است: «خانم طباطبایی شعار نده. بهت نمیاد این‌کاره باشی... دوستان ما باید ایده بیاریم که چگونه میشه مانع افزایش آلاینده‌های زیستی در جنوب کشور بشیم.» دنبال‌کننده دیگری هم کمی عصبانی گفته است: «هوای تهران و خوزستان‌رو با هم مقایسه می‌کنین؟ بدون این خاک‌ها هم اهواز شهر آلوده‌ای بود. اون‌وقت شما بعد یه روز زیبای بارونی تهران می‌گین: «تهران هم؟» این عکس در ۱۹ ساعت، ۲۱ هزار و ۱۸۹ بار پسندیده شده است.